



An Analysis of the Rationale Behind Addressing the Jinn in the Qur'anic Challenge (taḥaddī)

Ahad Davari Chelaghaei¹ 

1. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Maragheh Faculty of Qur'an Sciences, University of Holy Qur'an Sciences and Education, Maragheh, Iran. Email: davari@quran.ac.ir

Abstract

In order to demonstrate the divine origin of the Qur'ān, God invites its addressees to a form of challenge (taḥaddī) in numerous verses. In most of these verses, the challenge is directed toward human beings; however, in verse 88 of Sūrat al-Isrā': qul la' in ij'tama'at al-ins wa al-jinn...), the jinn are explicitly included alongside humans. Given the ontological differences between these two beings and the relative unfamiliarity of the jinn to human audiences, the inclusion of the jinn in this challenge calls for deeper analysis. Despite its significance, this issue has received only limited and scattered attention in Qur'ānic studies. Adopting an analytical-critical approach and drawing upon intra-textual Qur'ānic data as well as exegetical perspectives, the present study seeks to clarify the rationale behind addressing the jinn in this verse. The findings indicate that the inclusion of the jinn reflects a multidimensional and purposeful strategy that can be analyzed on three levels: first, theological-exegetical considerations, including the moral responsibility (taklīf) and free will (ikhtiyār) of the jinn, their capacity for extraordinary acts, and the coherence of this verse with other Qur'ānic passages; second, the cultural context of the revelation, particularly the beliefs of Arab polytheists regarding the role of jinn in inspiring poets and their attribution of the Qur'ān to jinn-inspired utterances; and third, rhetorical considerations, including attention to dimensions of inimitability beyond the purely linguistic, such as the unseen (i'jāz ghaybī) and the transformative impact (i'jāz ta'thīrī).

Keywords: Qur'ānic challenge (taḥaddī al-Qur'ān), jinn, inimitability of the Qur'ān, verse 88 of Sūrat al-Isrā', early Arab culture.

Cite this article: Davari Chelaghaei, A. (2026). An Analysis of the Rationale Behind Addressing the Jinn in the Qur'ānic Challenge (taḥaddī). *Quranic Researches and Tradition*, 58 (2), 349-364. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI:<https://doi.org/10.22059/jqst.2026.409930.670586>



Article Type: Research Paper

Received: 22-Jan-2026

Received in revised form: 31-Jan-2026

Accepted: 15-Feb-2026

Published online: 20-Mar-2026



تحلیل چرایی دعوت جن به تحدی در قرآن کریم

احد داوری چلقائی^۱

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی مراغه، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مراغه، ایران. رایانامه: davari@quran.ac.ir

چکیده

خدایوند متعال برای اثبات الهی بودن قرآن، در آیاتی پرشمار مخاطبان را به مبارزه دعوت کرده است که از آن به تحدی تعبیر می‌شود. در بیشتر این آیات، انسان‌ها مخاطب تحدی هستند؛ اما در آیه ۸۸ سوره اسراء (قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ ...)، «جن» به صراحت در کنار «انسان» به مبارزه دعوت شده است. با توجه به تفاوت ماهوی این دو موجود و ناشناختگی نسبی جن برای مخاطبان بشری، علت گنجاندن جن در کنار انسان و چرایی تحدی به آنها، نیاز به واکاوی دارد که جنبه‌های گوناگون آن، در تفاسیر و پژوهش‌های علوم قرآنی به صورت بسیار محدود و پراکنده مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-انتقادی و با تکیه بر داده‌های درون‌متنی قرآن و بررسی دیدگاه مفسران، در پی تبیین علل دعوت جن به تحدی در آیه یادشده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دعوت جن، رویکردی چندوجهی و حکیمانه دارد که در سه سطح قابل تحلیل است: نخست از جهت دلایل کلامی-تفسیری از جمله تکلیف و اختیار جن، توانایی انجام کارهای فرابشری و همسویی آیه با آیات دیگر قرآن. دوم توجه به ملاحظات فرهنگی عصر نزول، به‌ویژه باور مشرکان عرب درباره نقش جن در الهام شاعران و نسبت دادن قرآن به القانات جنیان؛ و سوم ملاحظات بلاغی قرآن از جمله توجه به وجوهی فراتر از اعجاز لفظی مانند اعجاز غیبی و اعجاز تأثیری.

کلیدواژه‌ها: تحدی قرآن، جن، اعجاز قرآن، آیه ۸۸ سوره اسراء، فرهنگ عرب صدر اسلام، اعجاز بلاغی.

استناد: داوری چلقائی، احد (۱۴۰۴). تحلیل چرایی دعوت جن به تحدی در قرآن کریم. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۸ (۲)، ۳۶۴-۳۴۹.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۲

بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2026.409930.670586>



مقدمه

پیامبران الهی برای اثبات حقانیت دعوت خویش، از سوی خداوند معجزاتی را به مخاطبان ارائه کرده و در برابر این امر خارق‌العاده، آنان را به مبارزه‌طلبی فراخوانده‌اند (خوبی، بی‌تا: ۳۵-۳۶). قرآن کریم نیز همچون دیگر معجزات پیامبران پیشین، مخاطبان خود را به تحدی دعوت کرده‌است تا حقانیت این معجزه آسمانی را آشکار سازد. این مبارزه‌طلبی در قرآن به صورت‌های گوناگون مطرح شده‌است؛ گاه به آوردن یک سوره همانند آن (یونس: ۳۸؛ بقره: ۲۳)، گاه ده سوره (هود: ۱۳)، گاه آوردن سخنی همانند قرآن (طور: ۳۳-۳۴) و گاه آوردن کتابی همانند قرآن (قصص: ۴۹؛ اسراء: ۸۸).

مطابق آیات ۲۳ و ۲۴ سوره بقره، تحدی قرآن محدود به عصر نزول یا مخاطبان عرب‌زبان نبوده‌است (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۱۷۶)، بلکه همه انسان‌ها در همه زمان‌ها را دربر می‌گیرد (نصار، ۱۹۹۹م: ۵۱-۵۶). با این حال، در آیه «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (اسراء: ۸۸)، افزون بر انسان، «جن» نیز به صراحت در کنار او مخاطب تحدی قرار گرفته‌است. مفاد این آیه بر آن دلالت دارد که اگر همه جهانیان - اعم از کوچک و بزرگ، عرب و غیرعرب، دانشمندان، فلاسفه، ادیبان، نوابغ و حتی جنیان - گرد هم آیند، توان آوردن همانندی برای قرآن را نخواهند داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۲: ۲۷۴).

دعوت انسان‌ها به تحدی، با توجه به اینکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از جنس بشر بوده‌است (کهف: ۱۱۰؛ فصلت: ۶)، امری معقول و قابل فهم است؛ اما در مورد جن که نسبت به انسان موجودی نسبتاً ناشناخته بوده و بر اساس آیات قرآن از آتش آفریده شده‌است (الرحمن: ۱۵)؛ این پرسش مطرح می‌شود که علت گنجاندن آنان در دایره این مبارزه‌طلبی چیست؟ پژوهش حاضر با تکیه بر شواهد درون‌متنی قرآن کریم و قرائن تفسیری و با رویکردی تحلیلی - انتقادی به دیدگاه‌های مفسران و آثار علوم قرآنی، در پی تبیین چرایی دعوت جن به تحدی در آیه مورد بحث است. البته تبیین ماهیت و مقوله‌های مرتبط با جن، تنها بر پایه منابع معتبر نقلی، به‌ویژه آیات قرآن کریم و روایات صحیح قابل اتکا است و گزارش‌های تاریخی غیرمطمئن و اخبار واحد غیرمتقن، در بیان فلسفه تحدی به جن، فاقد حجیت استدلالی مستقل بوده و حداکثر می‌توانند به‌عنوان مؤید در کنار سایر ادله به کار روند...

اهمیت پرداختن به این مسئله از آن‌رو دوچندان است که میان مفسران و عالمان علوم قرآنی در تفسیر آیه مورد بحث به‌رغم بررسی محدود و گذرای آنان، اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی از مفسران، تحدی جن را واقعی دانسته و بر این باورند که جنیان نیز همانند انسان در برابر رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مکلف و مسئول هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۹: ۹۰-۹۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ج ۷: ۱۰۸؛ حقی برسوی، بی‌تا: ج ۵: ۲۰۱). در مقابل، گروهی دیگر با وجود تصریح ظاهر آیه، ذکر جن را ناظر به تحدی واقعی ندانسته و آن را برخاسته از فضای فرهنگی عصر جاهلیت

(زرکشی، ۱۴۱۰ق: ج ۲: ۲۴۰؛ کواز، ۱۳۸۶: ۲۹۶) و اشاره به باور رایج برخی عرب‌ها درباره نقش جن در الهام‌بخشی به شاعران پنداشته‌اند (بنت‌الشاطی، ۱۴۰۴ق: ۶۳) یا ذکر جن در آیه را پاسخی به ادعای مشرکان می‌دانند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به دریافت قرآن از جن دریافت متهم می‌کردند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۳: ۲۸۲). بر این اساس، بررسی و نقد ادله هر یک از دیدگاه‌ها و تبیین مراد خداوند از ذکر «جن» در آیه تحدی، بر پایه شواهد درون‌قرآنی و قرائن معتبر تفسیری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید؛ تا از رهگذر آن، حکمت یادکرد جن در قرآن حکیم که از سوی خدای حکیم نازل شده است (یونس: ۱؛ لقمان: ۲)، به‌درستی روشن شود.

۱. پیشینه بحث

بیشتر مفسران موضوع تحدی جن را در تفسیر آیه ۸۸ سوره اسراء به‌صورت گذرا و اجمالی مطرح کرده و بیشتر آنها چرایی تحدی جن یا ثمرات حاصل از آن را ذکر نکرده‌اند. البته در برخی منابع تفسیری، از جمله الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۷: ۳۳۸-۳۳۹)، روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۸: ۱۵۷-۱۵۸) و انوار التنزیل (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۳: ۲۶۶)، به اختصار نکاتی درباره تحدی به جن بیان شده است.

گروهی از مفسران نیز به نتایج و ثمرات مبارزه طلبی قرآن نسبت به جن پرداخته‌اند. از جمله مؤلف تفسیر المیزان بر این باور است که دعوت جنیان به تحدی نشان می‌دهد اعجاز قرآن منحصر در فصاحت و بلاغت نیست، بلکه وجوه دیگری همچون محتوای آن نیز در تحقق اعجاز دخالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۳: ۲۰۱). برخی دیگر نیز دعوت از جن را ناظر به تأکید بر جنبه اعجاز غیبی قرآن دانسته‌اند (ابن عرفه، ۲۰۰۸م: ج ۳: ۷۵).

از منابعی که دیدگاه مفسران درباره تحدی جن را به‌صورت نسبتاً منسجم گزارش کرده است، کتاب الاعجاز اثر حسین نصّار (۱۹۹۹م: ۵۱-۵۴) است. وی دیدگاه دانشمندان را درباره مخاطبان تحدی در تمامی آیات قرآن، در نوزده عنوان احصا کرده و سپس آن‌ها را در چهار گروه عرب، ملائکه، جن و معاصران نزول وحی دسته‌بندی می‌کند (همان: ۴۲-۵۶). نصّار در بررسی خطاب تحدی به جن، سه دیدگاه عمده را برجسته و به اختصار نقل می‌کند. طبق یک دیدگاه جنیان مخاطب تحدی قرآن نیستند؛ زیرا زبان خاص خود را دارند. بر اساس دیدگاه دوم، تحدی قرآن به جن ناظر به بُعد بلاغت ذاتی کلام وحی دانسته شده است. دیدگاه سوم نیز تحدی را در امتداد عرف عربی درباره منشأ ایجاد شعر، قابل تبیین تلقی می‌کند (همان: ۵۶). این منبع صرفاً به گراوری مختصر سه دیدگاه پرداخته و دلایل این دیدگاه‌ها را تبیین نکرده است.

از این‌رو، با وجود طرح پراکنده مسئله تحدی جن در برخی منابع تفسیری و آثار مرتبط با اعجاز قرآن، بررسی پیشینه نشان می‌دهد که «چرایی تحدی جن» تاکنون به‌صورت مستقل و تحلیلی مورد واکاوی قرار نگرفته است.

۲. بررسی مفاهیم

۲-۱. بررسی مفهوم تحدی

واژه «تحدی» از ریشه «ح د و» به معنای سوق دادن و به حرکت واداشتن است (ابن فارس، بی‌تا: ج ۲: ۳۵) و در معنای حسی، به راندن شتر اطلاق شده است (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق: ج ۳: ۲۷۳). این واژه در باب تفعّل، دلالت بر نوعی رویارویی، مسابقه و هم‌وردطلبی دارد (ازهری، بی‌تا: ج ۵: ۱۲۱).

اصطلاح «تحدی» که از حدود قرن سوم هجری به تدریج وارد ادبیات کلامی مسلمانان شد (شاکر، ۱۳۹۹: ۲۸-۲۳) به معنای مبارزه طلبی از منکران پیامبران برای آوردن همانندی با معجزه پیامبر الهی اطلاق می‌گردد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ج ۷: ۲۷۳-۲۷۴). این شیوه استدلالی بر این مبنا استوار است که اگر فعل خارق‌العاده مدعی نبوت، منشأ الهی نداشته باشد و صرفاً اقدامی بشری تلقی شود، دیگر انسان‌ها نیز باید قادر به انجام همانند آن باشند؛ در حالی که ناتوانی همگانی از معارضه با آن، نشان‌دهنده غیر بشری بودن آن فعل و در نتیجه، صدق دعوی نبوت آورنده آن خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۲۸-۱۲۹). در خصوص قرآن کریم نیز، تحدی در بستری صورت گرفته است که مخاطبان اصلی آن، فصیحان و سخنوران عرب بوده‌اند. قرآن با بهره‌گیری از زبان و قالب آشنای آنان نازل شد و سپس ایشان به آوردن همانندی برای آن فراخوانده شدند. ناتوانی عرب‌ها - با وجود مهارت زبانی و ادبی - از پاسخ‌گویی به این مبارزه طلبی، گواهی روشن بر الهی بودن قرآن و صدق رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به شمار می‌آید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱: ۱۵۸)

۲-۲. بررسی مفهوم جن

واژه «جن» از ریشه «ج ن ن» گرفته شده که در اصل بر معنای پوشیدگی، ستر و نهان بودن دلالت دارد (ابن فارس، بی‌تا: ج ۱: ۴۲۱)، لذا به موجود یا امری اطلاق می‌شود که از حواس ظاهری پنهان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۳). کاربرد قرآنی این ریشه نیز مؤید همین معناست؛ چنان‌که در تعبیر «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ» (انعام: ۷۶)، فعل «جَنَّ» به معنای پوشاندن با تاریکی شب به کار رفته است (ابن منظور، بی‌تا: ج ۱۳: ۹۲).

لغویان مسلمان بر معنای پوشیدگی در مشتقات این ریشه تأکید دارند. بر همین اساس «جَنَّة» به دلیل پوشیده بودن از دید انسان در دنیا (ابن فارس، بی‌تا: ج ۱: ۴۲۱) یا انبوهی و پوشش درختان (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۱: ۳۰۷)، به بهشت اطلاق شده است. تعبیر «مجنون» و «جنة» در آیاتی همچون «مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ» (سبأ: ۴۶) نیز ناظر به پوشیده شدن عقل است (ابن منظور، بی‌تا: ج ۱۳: ۹۶).

یکی از مهم‌ترین کاربردهای این ریشه در زبان عربی، واژه «جن» است که بسامد آن در قرآن کریم، روایات اسلامی و حتی ادبیات پیش از اسلام چشمگیر است و به گروهی از موجودات اطلاق

می‌شود که به‌طور معمول غیر قابل رؤیت و از دید انسان‌ها پنهان هستند (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق: ج ۶: ۲۰-۲۱). بر پایه آموزه‌های قرآن، ابلیس از مصادیق معروف جن بوده (کهف: ۵۰) که از آتش آفریده شده است (الرحمن: ۱۵). جنیان به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم می‌شود (جن: ۱۱-۱۵) و بر اساس آیه ۵۶ سوره ذاریات همانند انسان، دارای عقل، اختیار و تکلیف الهی هستند.

ظاهر تعبیر «الجن» در آیه ۸۸ سوره اسراء عام است و همه جنیان را در بر دارد، با این حال، در تعیین گستره مصداقی «جن» و شمول آن به ملائکه، میان مفسران دو دیدگاه اصلی شکل گرفته است.

دیدگاه نخست: برخی مفسران، با توسعه در معنای «جن»، ملائکه را نیز داخل در قلمرو تحدی دانسته و معتقدند آنان نیز از آوردن همانندی برای قرآن ناتوان‌اند (سیوطی، بی‌تا: ج ۱: ۷). مهم‌ترین مستند این دیدگاه، آیه «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا» (صافات: ۱۵۸) است. به‌زعم این گروه، مراد از «جنّ» در این آیه، فرشتگان‌اند و از این‌رو، اطلاق «جن» می‌تواند شامل آنان نیز بشود (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ج ۷: ۱۰۸). سیاق آیات سوره صافات، شأن نزول، روایات تفسیری و نیز فرهنگ رایج عرب پیش از اسلام نشان می‌دهد که مقصود آیه، نفی نسبت همسری و خویشاوندی میان خداوند و جن است که مشرکان به‌غلط به او نسبت می‌دادند و آیه به ملائکه ارتباط ندارد (داوری چلقانی، ۱۴۰۴) از این‌رو، استناد به این آیه برای داخل کردن ملائکه در مفهوم «جن» ناتمام است.

دلیل دیگر بر توسعه شمول معنایی جن را می‌توان ماجرای امر خداوند به سجده ملائکه بر آدم دانست که ابلیس نیز در آن جمع حاضر بود. برخی مفسران (نسفی، ۱۴۱۶ق: ج ۱: ۸۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۱: ۷۱) و نیز شماری از پژوهشگران اهل کتاب، ابلیس را از جنس فرشتگان دانسته‌اند (موسوی‌مقدم و جعفری‌هرندی، ۱۳۹۲). در مقابل، دیدگاه غالب مفسران، با تکیه بر تصریح قرآن (کهف: ۵۰)، امکان نافرمانی، داشتن ذریه، و تفاوت‌های ماهوی میان جن و ملائکه، بر این است که ابلیس از فرشتگان نبوده، بلکه از جن به‌شمار می‌رفته است (وکیلی، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۹). بنابراین ادله دیدگاه نخست برای توسعه مصداق «جن» و شمول ملائکه، از استحکام کافی برخوردار نیست.

دیدگاه دوم: بیشتر مفسران بر این باورند که ملائکه در آیه ۸۸ سوره اسراء، داخل در عنوان «جن» نیستند و مخاطب تحدی به‌شمار نمی‌آیند. زیرا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای هدایت جن و انس (تقلین) مبعوث شده است و ملائکه نیازمند هدایت تشریحی نیستند (سیوطی، بی‌تا: ج ۱: ۷). از سوی دیگر منکران وحی، همواره از میان جن و انس بوده‌اند، نه ملائکه (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۸: ۱۵۷) و اگر تحدی در چارچوب ضرورت دفاعی اعجاز، یعنی پاسخ به انکار رسالت، تعریف شود (معرفت، ۱۴۱۵ق: ج ۴: ۱۶)، اساساً ملائکه که منکر وحی نبوده‌اند، موضوع تحدی قرار نمی‌گیرند. همچنین قرآن ملائکه را موجوداتی معصوم و مطیع امر الهی معرفی می‌کند (تحریم: ۶؛ انبیاء: ۲۷). از این‌رو، فرض معارضه آنان با قرآن یا تلاش برای همانندسازی با آن، فاقد موضوع است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۸: ۱۵۷؛ نصار، ۱۹۹۹م: ۵۱). نقش ملائکه به‌ویژه جبرئیل در نزول وحی نیز آنان را از جایگاه معارضان قرآن دور می‌کند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۳: ۲۶۶).

البته برخی مفسران گفته‌اند چون ملائکه توان انجام کارهای خارق‌العاده دارند، دعوت آنان به تحدی می‌توانست موجب التباس معجزه شود (همان). این استدلال مخدوش است؛ زیرا بسیاری از افعال ملائکه، مانند پرواز یا تصرفات تکوینی، مقتضای طبیعت آنان است و خرق عادت محسوب نمی‌شود تا در ردیف معجزه قرار گیرد (نصار، ۱۹۹۹م: ۵۰). افزون بر این، پذیرش چنین توجیهی مستلزم آن است که غیرخدا - از جمله ملائکه - توان معارضه واقعی با کلام الهی را داشته باشند، امری که با اطلاق آیات تحدی از جمله «وَأَذْعُوبُوا مَنِ اسْتَعْطَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ» (هود: ۱۳؛ یونس: ۳۸)، ناسازگار است و نشان می‌دهد که سخن ملائکه - که مخلوق خدا و ممکن الوجود هستند - بر سخن خدای خالق واجب الوجود برتری دارد. بطلان این سخن که بیانگر شکست خدا از سوی غیر خداست نیز روشن است. همچنین بعضی نیز علت عدم ذکر ملائکه در آیه تحدی را ناآگاهی بشر از زبان آنان دانسته‌اند (بقاعی، ۱۴۲۷ق: ج ۴: ۴۲۴). علاوه بر فقدان دلیل معتبر بر اثبات این سخن و مخالفت آن با آیات تحدی عام (هود: ۱۳، یونس: ۳۸)، نزول ملائکه و گفتگوی آنها با پیامبران و حتی غیر پیامبرانی مانند حضرت مریم علیها السلام (آل عمران: ۴۷؛ مریم: ۲۰) نشان می‌دهد تعامل گفتاری بین انسان و فرشتگان وجود دارد، لذا مسئله زبان نمی‌تواند مبنای معتبری برای خروج ملائکه از تحدی باشد.

بر اساس آنچه گفته شد، دیدگاه دوم که تحدی قرآن را ناظر به جن و انس می‌داند و ملائکه را خارج از دایره آن تلقی می‌کند، از انسجام بیشتری برخوردار است، بنابراین «جن» در آیه ۸۸ سوره اسراء ناظر به موجودات غیرانسانی مختار و مکلفی است که قرآن کریم آنها را مخاطب خطاب الهی می‌داند و به دلیل برخورداری از عقل و اختیار، قابلیت قرارگرفتن در دایره تحدی را دارند.

۳. بررسی تحلیلی ابعاد مختلف تحدی جن در قرآن کریم

سوره اسراء از سوره‌های مکی قرآن کریم است (طبری، ۱۳۷۲: ج ۶: ۶۰۷). بررسی سیاق آیات ۸۵ تا ۹۶ این سوره نشان می‌دهد که خداوند در این بخش، به دفاع از وحی الهی در برابر پندارهای مشرکان می‌پردازد. در آیه ۸۵، به پرسش مشرکان درباره «روح» اشاره (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۵: ۱۰۴) و وابستگی کامل وحی به اراده الهی تبیین می‌شود؛ به گونه‌ای که خداوند تصریح می‌کند اگر بخواهد، قادر است وحی را بازستاند (آیات ۸۶ و ۸۷). در آیه ۸۸، قرآن کریم به صراحت به اثبات اعجاز و منشأ الهی وحی می‌پردازد و در آیه ۸۹، از تنوع و گوناگونی بیان معانی در قرآن سخن به میان می‌آورد. سپس در آیات ۹۰ تا ۹۵، میان معجزه قولی، یعنی قرآن، و معجزات حسی تفکیک شده و به درخواست‌های مشرکان برای معجزات مادی پاسخ داده می‌شود. این بخش با آیه ۹۶، که گواهی خداوند بر صدق رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است، به پایان می‌رسد. بدین ترتیب آیه تحدی (اسراء: ۸۸) در مرکز یک ساختار مستدل و منسجم قرار دارد که هدف آن دفاع از وحیانی بودن قرآن کریم است.

ذکر «جن» در کنار «انس» در این آیه، دلالت‌ها و کارکردهای متعددی دارد که می‌توان آن را از ابعاد گوناگون تحلیل کرد:

۳-۱. دلایل کلامی-تفسیری

۳-۱-۱. تکلیف و اختیار جن

انسان موجودی مختار است و برای نیل به سعادت، مکلف به انجام برخی افعال اختیاری است. این تکلیف از طریق وحی الهی به او ابلاغ می‌شود (کریمی، ۱۳۸۷: ۸۶-۹۰). بر اساس آیات قرآن کریم، جن نیز همانند انسان موجودی مختار و مکلف است و موجودات مختار می‌توانند دعوت پیامبران را بپذیرند یا آن را رد کنند. از همین رو، منکران قرآن تنها به انسان‌ها محدود نیستند، بلکه از میان جن نیز کسانی به انکار وحی پرداخته‌اند (حق‌ی برسوی، بی‌تا: ج ۵: ۲۰۱). بنابراین، خداوند در آیه ۸۸ سوره اسراء، همه موجودات مختار - یعنی انس و جن - را به تحدی فراخوانده‌است تا اگر گمان می‌برند قرآن از جانب غیر خدا نازل شده، همانندی برای آن بیاورند.

شواهد قرآنی متعددی بر اختیار و تکلیف جنیان دلالت دارد؛ از جمله تکلیف عبادی آنان (ذاریات: ۵۶)، دشمنی برخی از آنان با پیامبران (انعام: ۱۱۲)، نسبت‌های ناروا به خداوند (جن: ۴)، ارتکاب اعمال ناشایست (فصلت: ۲۹)، نقش آفرینی در گمراهی و تفرقه‌افکنی میان انسان‌ها (بقره: ۱۰۲)، بازخواست در قیامت (انعام: ۱۲۸) و کیفر الهی در آتش دوزخ (اعراف: ۳۸ و ۳۹؛ اعراف: ۱۷۹؛ سجده: ۱۳). همچنین ارسال پیامبران برای جن (انعام: ۱۳۰) و شنیدن آیات قرآن توسط گروه‌هایی از جن (احقاف: ۲۹؛ جن: ۱) و نیز ایمان آوردن آنان به پیام‌های تورات (احقاف: ۳۰) خود گواهی بر مختار و مکلف بودن آنان است؛ زیرا بعثت پیامبران برای موجودات فاقد اختیار، امری لغو خواهد بود. البته درباره نوع تکلیف آنان دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده‌است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ج ۸: ۵۸۷-۵۸۶).

در روایات نیز افزون بر تأیید ارسال پیامبران برای هر دو گروه جن و انس (نهج البلاغه: خطبه ۱۸۳) و اشاره به حکومت پیامبرانی همچون حضرت سلیمان علیه السلام بر جن و انس (همان: خطبه ۱۸۲)، گزارش‌های متعددی از ملاقات گروه‌هایی از جنیان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده‌است (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ق: ج ۱: ۳۳۲؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق: ج ۵: ۲۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۸: ۸۰؛ بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۲: ۹۸-۹۹). همچنین در منابع روایی، به مراجعه جنیان به ائمه علیهم السلام برای فراگیری احکام دینی در مواقع نیاز اشاره شده‌است (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲: ۳۲۱-۳۱۳؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۹۵-۱۰۳).

بنابراین رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شامل هر دو گروه جن و انس است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۹۹-۹۸) و جنیان نیز همانند انسان‌ها در برابر دعوت و رسالت آن حضرت مسئول‌اند (جوادی

املی، ۱۳۹۰: ج ۹: ۹۰-۹۱). از این رو، دعوت جن به تحدی در آیه ۸۸ سوره اسراء ناظر به بیان ناتوانی هر دو گروه جن و انس در معارضه با قرآن کریم است (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ج ۷: ۱۰۸).

۳-۱-۲. همسویی تحدی جن با آیات دیگر قرآن

بررسی آیات تحدی در قرآن کریم نشان می‌دهد که خطاب مبارزه‌طلبی، در مواردی با تعبیری عام مطرح شده است. از جمله، در آیات ۱۳ سوره هود و ۳۸ سوره یونس، با تعبیر «وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ» همه موجودات غیر از خداوند به هم‌آوردی فراخوانده شده‌اند. این تعبیر عام، از نظر مفهومی شامل هر موجودی است که فرض توانایی مقابله با قرآن درباره او تصور شود. در آیه ۸۸ سوره اسراء، همین مضمون کلی، به صورت عینی‌تر بیان شده و به جای تعبیر عام «مَنِ اسْتَطَعْتُمْ»، دو مصداق برجسته آن، یعنی «انس» و «جن»، به طور خاص ذکر شده‌اند. از این رو، می‌توان گفت آیه اسراء نه در تعارض، بلکه در امتداد و همسویی مفهومی با آیات پیشین تحدی قرار دارد و تصریح به جن، در حقیقت تبیین مصداقی همان خطاب عام پیشین است (طبرانی، ۲۰۰۸م: ج ۳: ۴۲۱).

مفسران قرآن در تفسیر عبارت «مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ» مصادیق گوناگونی را ذکر کرده‌اند؛ از جمله بت‌ها و معبودهای مشرکان (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۲: ۲۳۸)، اولیا و شریکان فرضی مشرکان (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۱: ۸۲)، یاران و اعوان انسانی (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ج ۶: ۱۹۵۳)، و حتی همه عرب‌زبانان یا کتاب‌های آسمانی پیشین (ماتریدی، ۱۴۲۶ق: ج ۶: ۴۳). اما مفسران زیادی بر این نکته تأکید کرده‌اند که این تعبیر، دلالتی عام دارد و هر موجود غیرالهی را - فارغ از نوع و ماهیت - در برمی‌گیرد (طوسی، بی تا: ج ۵: ۳۷۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲: ۳۴۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳: ۵۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۰: ۱۶۳؛ میبیدی، ۱۳۷۱ق: ج ۴: ۲۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق: ج ۵: ۲۲۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۲: ۳۳۱). حتی برخی مفسران به صراحت، جن را از مصادیق تعبیر «مَنِ اسْتَطَعْتُمْ» دانسته‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ج ۴: ۲۳۴؛ ابن جزی، ۱۴۱۶ق: ج ۱: ۳۵۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۰: ۶۶؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق: ج ۶: ۸۰).

۳-۱-۳. توانایی جن در انجام افعال خارق عادت

بر اساس آموزه‌های قرآنی، برخی از جنیان دارای توانایی‌هایی هستند که فراتر از توان متعارف انسان‌ها و خارق عادات بشر است؛ دعوت چنین موجوداتی به مبارزه‌طلبی، بر این نکته تأکید می‌کند که قرآن کریم از سنخ افعالی نیست که حتی موجودات دارای قدرت‌های غیرعادی نیز قادر به همانندسازی آن باشند.

قرآن کریم به نمونه‌هایی از این توانایی‌ها اشاره کرده است؛ از جمله، ساخت بناها، محراب‌ها، تندیس‌ها و ... به دست جنیان در عصر حضرت سلیمان علیه السلام (سبأ: ۱۲-۱۳). همچنین در آیه ۳۹ سوره نمل، از توانایی یکی از جنیان در جابه‌جایی سریع تخت بلقیس سخن به میان آمده است؛ امری که فراتر از قدرت عادی بشر تلقی می‌شود. این شواهد قرآنی نشان می‌دهد که جن، دست‌کم در

برخی مراتب، از توانمندی‌هایی برخوردار است که انسان‌ها معمولاً فاقد آن هستند. از این رو، ذکر جن در کنار انسان در آیه ۸۸ سوره اسراء بیانگر آن است که حتی موجوداتی با چنین توانایی‌های خارق عادت نیز، در برابر قرآن، عاجز و ناتوان‌اند (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ۷؛ ۱۰۸).

از لوازم معنادار بودن دعوت جن به تحدی، امکان ارتباط، هماهنگی و اجتماع آنان با انسان است. اگر فرض شود که اجتماع یا همکاری جن و انس ذاتاً محال باشد، دعوت آن‌ها به تحدی بی‌معنا خواهد بود؛ زیرا خداوند بندگان را به امر محال فرامی‌خواند و تحقق «تحدی» تنها در صورتی معقول است که طرف خطاب، حداقل در مقام فرض، قابلیت پاسخ‌گویی داشته باشد، هرچند در عمل از آن عاجز باشد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۷؛ ۳۳۸-۳۳۹). افزون بر این، قرآن کریم شواهد متعددی از وقوع ارتباط و تعامل میان جن و انس ارائه می‌دهد (جن: ۱؛ احقاف: ۲۹-۳۱؛ نمل: ۱۷ و ۳۹؛ انعام: ۱۱۲ و ۱۲۱؛ فصلت: ۲۹). این شواهد قرآنی نشان می‌دهد که اصل ارتباط و هماهنگی میان جن و انس، امری ممکن و واقع شده‌است. بنابراین، از حیث امکان اجتماع و همکاری جن و انس برای پاسخ به تحدی قرآن، هیچ محذور عقلی یا نقلی وجود ندارد.

نکته قابل توجه دیگر در سیاق آیه ۸۸ سوره اسراء، تقدّم «انس» بر «جن» در عبارت «لَئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ» است. بررسی موارد کاربرد مشترک این دو واژه در قرآن نشان می‌دهد که این تقدّم و تأخّر، تابع محوریت موضوع مورد خطاب است. در آیه تحدی و آیات بیانگر گفتار و دشمنی فکری (انعام: ۱۱۲؛ جن: ۵)، انسان مقدم ذکر شده‌است زیرا موضوع بحث، حوزه علم، اندیشه و بیان است و انسان در آن به دلیل تعلیم اسماء (بقره: ۳۱) امتیازی ویژه دارد و به تعبیر برخی مفسران بیانگر شرافت ذاتی انسان است (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ج ۱؛ ۶۲۵)؛ در مقابل عرصه‌هایی مانند نفوذ در آسمان‌ها (الرحمن: ۳۳) و انجام کارهای جسمانی و توانمندی‌های عملی (نمل: ۱۷)، برتری با جنیان است لذا جن مقدم بر انسان آمده‌است. گفتنی است برخی تقدیم انس بر جن در آیه تحدی را قرینه‌ای بر انحصار تحدی به انسان دانسته‌اند (کواز، ۱۳۸۶: ۲۹۶)؛ دیدگاهی که فاقد دلیل بوده و با تصریح آیه به دعوت مشترک جن و انس، قابل دفاع نیست.

۲-۳. دلایل فرهنگی-جدلی

۳-۲-۱. پاسخ به باور عمومی و فرهنگ عرب‌ها

باورهای عمومی عرب صدر اسلام در برخی موارد با «جن» عجین شده بود. برخی از آنان به پرستش جن می‌پرداختند (سبأ: ۴۰-۴۱؛ انعام: ۱۰۰) و گاهی برای محافظت از خود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰: ۵۵۵) به گروهی از جنیان پناه می‌بردند (جن: ۶). همچنین بر اساس آیه «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا» (صافات: ۱۵۸)، نسبت همسری بین خدا و جن قائل بودند (داوری چلقائی، ۱۴۰۴: ۲۵۳-۲۵۷). آنان برخی اشعار و سخنان اعجاب‌انگیز را به جن نسبت می‌دادند (باقلانی، ۱۴۲۱ق: ۱۶۹-۱۷۰؛ ابن‌عرفه، ۲۰۰۸م: ج ۳: ۷۵). هرچند تعدادی از محققان، در صحت این انتساب‌ها تردید دارند

(بنت‌الشاطی، ۱۴۰۴ق: ۷۳-۷۴)، اما باور رایج آن بود که هر شاعر برجسته‌ای «همزاد» یا «قرینی» از جن دارد که او را در شعرسرایی یاری و مطالب را به او الهام می‌کند (همان: ۷۰-۷۱) و شواهد فراوانی از این باور در اشعار جاهلی یافت می‌شود (باقلانی، ۱۴۲۱ق: ۳۳-۳۴؛ مسلم، ۱۴۲۶ق: ۸۲-۸۳)؛ از این رو، هنگامی که قرآن با فصاحتی فراتر از توان بشر نازل شد، مخالفان پیامبر برای توجیه این پدیده، او را شاعر یا کاهنی دانستند که جن به او الهام می‌کند (محمد زرزور، ۱۴۱۹ق: ۱۵۲-۱۵۳). در چنین فضایی، خطاب قرار دادن جن در آیات قرآن، به‌ویژه در آیه تحدی، نوعی رویارویی مستقیم با این باورهای ریشه‌دار فرهنگی و خرافی بود تا روشن شود که قرآن نه محصول الهام جنیان است و نه در چارچوب توانایی‌های آنان می‌گنجد.

نکته قابل توجه آن است که سخن از جن در سوره‌های مدنی نسبت به سوره‌های مکی بسیار محدودتر است. در سوره‌های مدنی تنها در موارد محدودی مانند ماجرای ملک سلیمان (بقره: ۱۰۲)، خلقت از آتش (الرحمن: ۱۴-۱۵)، بازخواست در قیامت (الرحمن: ۳۱؛ ۳۵-۴۳)، ناتوانی از نفوذ در آسمان‌ها (الرحمن: ۳۳) و عدم ارتباط آنان با همسران بهشتی (الرحمن: ۵۶؛ ۷۰-۷۴) سخن به میان آمده است. در مقابل، در سوره‌های مکی - که مخاطب اصلی آن‌ها مشرکان مکه‌اند - مباحث متنوع و گسترده‌ای درباره جن مطرح شده است که نشان می‌دهد فضای فرهنگی مکه آمادگی بیشتری برای طرح این موضوع داشته است. بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها (بهجت‌پور، ۱۳۹۳: ج ۱: ۱۰۱-۱۲۵)، ابتدا جن به‌طور کلی معرفی و نسبت به وسوسه‌گری و خناسی آنان هشدار داده شده است (ناس: ۱-۶). سپس دشمنی آنان با آدم و حوا و توانایی خاصشان در مشاهده انسان از جایگاه‌هایی پنهان بیان شده (اعراف: ۲۷) و از گفت‌وگوی جن با پیامبر و تبیین ویژگی‌ها و گرایش‌های آنان سخن گفته شده است (جن: ۱-۱۵). قرآن پس از آن، به توانایی برخی جنیان در جابه‌جایی اجسام بزرگ، مانند آوردن تخت بلقیس، اشاره می‌کند (نمل: ۳۹) و بعد از آن در آیه ۸۸ سوره اسراء، جن و انس را به‌طور مشترک به تحدی فرامی‌خواند. در مراحل بعدی، باورهای نادرست عرب‌ها درباره جن از جمله پرستش جن (انعام: ۱۰۰)، دشمنی آنان با پیامبران (انعام: ۱۱۲)، ارسال پیامبران برای جن و انس (انعام: ۱۳۰) و رد نسبت‌های ناروا مانند همسری جن با خداوند (صافات: ۱۵۸). تصحیح شده است؛ همچنین به نقش جن در گمراه‌سازی انسان‌ها (فصلت: ۲۹) و در عین حال، تأثیرپذیری آنان از قرآن و ایمان آوردنشان به کتاب‌های آسمانی مانند تورات و قرآن اشاره شده است (احقاف: ۲۹-۳۲).

بر اساس ترتیب نزول آیات، تحدی جن در قرآن در میانه آیاتی قرار دارد که از یک سو به ایمان آوردن گروهی از جن اشاره می‌کنند و از سوی دیگر به اصلاح باورهای نادرست عرب‌ها درباره آنان می‌پردازند. غلبه این آیات در سوره‌های مکی نشان می‌دهد که مسئله جن در فرهنگ مشرکان مکه جایگاهی برجسته داشته و قرآن به تدریج این باورها را نقد و بازسازی کرده است. همچنانکه اعتراض نکردن مشرکان به تحدی جن، پذیرش اصل وجود و توانایی آنان را در ذهنیت عرب جاهلی نشان

می‌دهد. از این رو تحدی جن بر بر مبنای باورهای رایج عرب جاهلی طرح شده تا ناتوانی جن و انس از آوردن همانندی برای قرآن، حتی بر اساس باورهای رایج آنان آشکار شود.

۳-۲-۲. پاسخ به ادعای مشرکین در آموختن قرآن از جن

یکی از شبهات مشرکان درباره منشأ قرآن، ادعای ارتباط پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با جن و دریافت معارف وحیانی از آنان بود. در برخی شأن نزول‌های ذیل آیه ۸۸ سوره اسراء آمده‌است که گروهی از سران مشرک با پیامبر مجادله کرده و اظهار می‌داشتند: اگر آنچه در تو مشاهده می‌کنیم ناشی از تسلط جنیان باشد، حاضریم اموال خود را هزینه کنیم تا برایت طیبی بیاییم و تو را از این حالت رهایی بخشیم (طبرانی، ۲۰۰۸م: ج ۴: ۱۳۷-۱۳۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۶: ۱۳۳). این سخنان نشان می‌دهد که مشرکان، همچون باور رایج عصر جاهلی، میان پیامبر و جن نوعی ارتباط فرض می‌کردند و آن حضرت را همانند کاهنان (فراء، ۱۹۸۰م: ج ۲: ۲۸۵) یا شاعران (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۹: ۷۸) می‌پنداشتند که از شیاطین الهام می‌گیرند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۳: ۲۸۲).

در پاسخ به این شبهه، قرآن کریم دو مسیر استدلالی را دنبال می‌کند: نخست، در سوره شعراء با تمرکز بر جایگاه و شخصیت پیامبر، تصریح می‌کند که آن حضرت نه دروغ‌گوست و نه گناهکار، و از این رو شیاطین نمی‌توانند بر او القائاتی داشته باشند (شعراء: ۲۱۰-۲۱۱)؛ زیرا شیاطین تنها بر دروغ‌پردازان گناهکار فرود می‌آیند (شعراء: ۲۲۱-۲۲۲). دوم، در سوره اسراء، فارغ از شخصیت پیامبر، خود قرآن را محور قرار داده و با دعوت همه جن و انس به تحدی، نشان می‌دهد که حتی با اتحاد کامل نیز توان آوردن همانندی برای این کتاب الهی را ندارند. بدین سان، ادعای تأثیرپذیری پیامبر از جن به صورت برهانی ابطال می‌شود.

گفتنی است درباره شأن نزول آیه ۸۸ سوره اسراء، نظرات دیگری نیز نقل شده‌است:

الف) برخی مفسران معتقدند یهودیان با پیامبر درباره حقانیت قرآن مجادله کردند و مدعی شدند این کتاب، همچون تورات، انسجام لازم را ندارد و می‌توان همانندی برای آن آورد؛ از این رو از پیامبر درخواست معجزاتی حسی مانند عصا و ید بیضا کردند. پیامبر در پاسخ فرمود که آنان به‌خوبی می‌دانند قرآن از سوی خداوند است و نشانه‌های آن در کتاب‌هایشان وجود دارد. در ادامه، برخی از حاضران پرسیدند: آیا هیچ انس یا جنی این مطالب را به تو آموخته‌است؟ و آیه در پاسخ نازل شد (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۵: ۱۰۶-۱۰۷). این گزارش با محتوای آیه و فضای نزول آن سازگار نیست؛ زیرا سوره اسراء مکی است، در حالی که این مجادلات در مدینه رخ داده‌است، نکته‌ای که شماری از مفسران نیز بر آن اشاره کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ج ۵: ۱۰۷). علاوه بر اینکه طبق برخی شأن نزول‌ها، قرآن در آیه دیگر تحدی (بقره: ۲۳) به ادعای یهود مبنی عدم انسجام قرآن پاسخ داده‌است (کاشانی، ۱۴۲۳ق: ج ۱: ۸۷).

ب) گروهی دیگر از مفسران، آیه را ناظر به ادعای نضر بن حارث می‌دانند که می‌گفت: «اگر بخواهیم، می‌توانیم همانند این قرآن را بیاوریم» (طبرانی، ۲۰۰۸م: ج ۴: ۱۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶: ۶۷۶). این شأن نزول با آیه «وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا» (انفال: ۳۱) هماهنگ است و تعدادی از مفسران در ذیل آن، همین شأن نزول را نقل کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۹: ۱۵۱-۱۵۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۳: ۵۷).

بنابراین شأن نزول‌های ذکر شده، ارتباطی به آیه ۸۸ سوره اسراء ندارد و آیه تحدی جن و انس می‌تواند ناظر سبب نزول نخست و پاسخ جدلی به ادعای مشرکین درباره منشأ غیرالهی قرآن - به‌ویژه نسبت دادن آن به جن - باشد.

۳-۳. دلایل بلاغی - اعجازی

۳-۳-۱. توجه‌دهی به وجوه متنوع اعجاز قرآن

از آنجا که تحدی قرآن ناظر به اثبات اعجاز آن است، بررسی مخاطبان تحدی نیز باید در چارچوب وجوه اعجاز تحلیل شود. تحدی قرآن منحصر به «زیبایی لفظی» نیست، بلکه همه وجوه کمالی آن، اعم از لفظی و معنوی، را دربر می‌گیرد. از همین رو، دعوت جن به مبارزه - همچون پیوستن غیر عرب‌ها - می‌تواند ناظر به برجسته‌سازی ابعاد محتوایی و معارفی اعجاز قرآن باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۳: ۲۰۱).

یکی از وجوه مهم اعجاز قرآن، اخبار غیبی آن است؛ اخباری که فراتر از توان بشر عادی قرار دارد. از این رو، تحدی قرآن این بُعد را نیز دربر می‌گیرد. جنیان - دست‌کم در باور رایج عصر نزول - مدعی دسترسی به اخبار غیبی و استراق سمع از آسمان‌ها بودند (صافات: ۷-۱۰؛ جن: ۸-۹) و حتی بنا بر برخی گزارش‌ها، پاره‌ای از این اطلاعات را به کاهنان منتقل می‌کردند (بقاعی، ۱۴۲۷ق: ج ۴: ۴۲۴). فراخواندن جن به تحدی در چنین زمینه‌ای، نشان می‌دهد که حتی اگر این گروه، با همه ادعاهای غیبی خود، در کنار انسان‌ها گرد آیند، باز هم از آوردن همانندی برای قرآن ناتوان خواهند بود (ابن‌عرفه، ۲۰۰۸م: ج ۳: ۷۵).

افزون بر این، آیات قرآن نشان می‌دهد که جنیان آشنایی اجمالی با محتوای قرآن داشته و به‌شدت تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند (احقاف: ۲۹-۳۱؛ سوره جن). این تأثیرگذاری عمیق را می‌توان در زمره «اعجاز تأثیری» قرآن به‌شمار آورد (خلیل، ۱۴۳۰ق: ۴۳۴-۴۳۹)؛ وجهی از اعجاز که در طول تاریخ، نقش مهمی در نفوذ پیام قرآن در دل مخاطبان ایفا کرده‌است (جواهری، ۱۳۹۸: ج ۲: ۷۱-۱۱۸). بنابراین می‌توان گفت دعوت جن به تحدی، ناظر به توجه دادن مخاطب به ابعاد غیرلفظی اعجاز قرآن مانند اعجاز غیبی و اعجاز تأثیری است؛ همان‌گونه که غیرعرب‌ها نیز در دایره این مبارزه‌طلبی قرار گرفته‌اند.

۳-۳-۲. مبالغه در تحدی و بیان شرافت قرآن

یک دیدگاه دیگر در تبیین دلیل دعوت جن به تحدی، استفاده از شیوه ادبی مبالغه برای تأکید بر ناتوانی مطلق بشر است. بر این اساس، قرآن با افزودن جن با استعدادهای فراتر از توان انسان (مانند سبأ: ۱۳-۱۲) به دایره مخاطبان تحدی، درصدد بیان این نکته است که اگر انسان‌ها حتی با یاری چنین موجوداتی نیز از آوردن مانند قرآن ناتوان باشند، به طریق اولی به تنهایی عاجزتر خواهند بود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۱۴: ۱۶۰).

برخی این تعبیر را ناظر به بیان شرافت و عظمت ذاتی قرآن نیز دانسته‌اند. بدین معنا که ناتوانی جن و انس با هم، گواهی بر جایگاه رفیع این کتاب آسمانی است (سیوطی، بی تا: ج ۱: ۶-۷). این دیدگاه بر این پیش فرض استوار است که هدف آیه، اثبات شرافت قرآن است. اما با توجه به سیاق آیات تحدی که در پاسخ به انکار مشرکان نازل شده‌اند، هدف اولیه، اثبات عجز مخالفان و در نتیجه اثبات اعجاز قرآن است. بنابراین، هر چند نتیجه هر دو بیان (عجز مخالفان و شرافت قرآن) به هم نزدیک است، ولی تأکید اصلی بر جنبه سلبی (عجز) است و جنبه ایجابی (شرافت) در مرتبه بعد قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که عجز جن را در آوردن مانند قرآن می‌توان از رهگذر شواهد زیر اثبات کرد:

الف: برتری جایگاه و رتبه آفرینش انسان؛ دانش اختصاصی که خداوند به انسان عطا کرده (بقره: ۳۴-۳۱) و نفخ روح الهی در انسان و فرمان سجده سایر موجودات بر او (حجر: ۲۹؛ ص: ۷۲) بیانگر شأن وجودی و برتری رتبی انسان نسبت به دیگر مخلوقات از جمله جن است. بنابراین با اثبات عجز انسان - که از حیث علمی، معرفتی و بیانی در مرتبه‌ای برتر قرار دارد - ناتوانی جن نیز ثابت می‌شود که در رتبه‌ای فروتر از انسان قرار دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۱: ۴۰۶؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۷: ۳۳۹). بر مبنای مراتب تشکیک وجود در حکمت اسلامی (طباطبایی، بی تا: ۱۷-۲۰)، هرچقدر مرتبه وجودی موجودی قوی‌تر و کامل‌تر باشد، از محدودیت‌های کمتری برخوردار است و مراتب نازل‌تر، سلب‌ها و محدودیت‌های بیشتری دارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ج ۱: ۱۷۳-۱۷۴)، بنابراین، اگر موجودی در مرتبه بالاتر وجودی، با برخورداری از همه ظرفیت‌های زبانی، فکری و ادبی، نتواند به تحدی قرآن پاسخ دهد، موجودات فروتر در سلسله مراتب وجود، با ناتوانی بیشتری در آوردن مانند قرآن مواجه خواهند بود. فلسفه تحدی نیز مؤید چنین رویکردی است؛ زیرا ناتوانی قوی‌ترین رقیب برای اثبات مدعا کفایت می‌کند و ذکر رقیبان ضعیف‌تر، معمولاً برای اطمینان‌بخشی به مخاطب است. این استدلال مورد مناقشه برخی پژوهشگران قرار گرفته است. به نظر آنان، تصریح قرآن به ذکر «جن و انس» در آیات تحدی اقتضا می‌کند که عجز هر یک، متناسب با ویژگی‌ها و توانمندی‌های خاص خود، به صورت مستقل تبیین شود (باقلانی، ۱۴۲۱ق: ۳۴).

ب: قرینه تاریخی و شواهد نقلی بر عجز جن؛ اگر جنیان توانایی آوردن همانندی برای قرآن را داشتند، به طور طبیعی در طول تاریخ، آثاری از این گونه متون (از طریق دوستان و هم‌پیمانان جنیان) یا دست‌کم گزارش‌هایی معتبر از تحقق چنین ادعایی منتشر می‌شد، حال آنکه فقدان کامل هرگونه

داده تاریخی معتبر در این زمینه، خود گواهی بر ناتوانی جنیان از پاسخ‌گویی به تحدی قرآن است (شعرانی، ۱۳۸۶: ج ۲: ۷۷۱-۷۷۲). افزون بر این، اگر متنی از سوی جن نقل می‌شد که مدعی همانندی با قرآن باشد، بی‌تردید به دستاویزی مهم برای مخالفان حقانیت قرآن تبدیل می‌گردید. در چنین فرضی، انتظار می‌رفت آثاری از نقد، دفاع یا مقایسه آن با قرآن در منابع تاریخی و کلامی ثبت شود. از سوی دیگر، خود گزارش‌های قرآنی از مواجهه جنیان با قرآن، مؤید عجز آنان است. قرآن تصریح می‌کند که گروهی از جنیان با شنیدن آیات الهی، شگفت‌زده شدند و قرآن را کلامی هدایتگر و فراتر از سخن غیرخدا دانستند و به آن ایمان آوردند (جن: ۱-۲). همچنین در سوره احقاف، از بازگشت آنان به سوی قوم خود و دعوت دیگر جنیان به ایمان و پیروی از قرآن گزارش شده است (احقاف: ۲۹-۳۲). برآیند این شواهد تاریخی و قرآنی آن است که نه در مقام عمل و نه در سطح ادعا، هیچ نشانه‌ای از توانایی جنیان در مقابله با تحدی قرآن وجود ندارد.

نتایج

بررسی آیه ۸۸ سوره اسراء و تحلیل دیدگاه‌های تفسیری و قرائن درون‌متنی قرآن نشان می‌دهد که گنجاندن جن در دایره تحدی، امری تصادفی یا بلاغی نیست، بلکه اقدامی حکیمانه و چندمنظوره است.

۱. بر اساس تحلیل لغوی، مراد از «جن» در آیه فوق، موجودات غیرانسانی مختار و مکلفی است که قرآن کریم آن‌ها به تحدی فراخوانده است.
۲. تحدی به جن در قرآن می‌تواند به طور همزمان ناظر به اهداف متعدد زیر باشد:
 - ۱-۲. از یک طرف بیانگر تحدی واقعی این موجودات باشد که همسو با آیات عام تحدی و با توجه به تکلیف و اختیار جن، همچنین با توجه به توانایی آنها در انجام کارهای خارق عادت بشر قابل تفسیر است.
 - ۲-۲. از سوی دیگر باورهای رایج مشرکان عرب درباره نقش جن در الهام شعری و ارتباط آنان با امور غیبی را مورد توجه و نقد قرار می‌دهد و به ادعای مشرکان پاسخ می‌دهد که گمان می‌کردند پیامبر قرآن را از جنیان فرا می‌گیرد.
 - ۲-۳. از سوی سوم به وجوه معارفی و محتوایی قرآن ناظر بود و نوعی مبالغه در مبارزه طلبی و اثبات خدایی بودن قرآن را بیان کرده است.
۳. تحدی هم‌زمان انس و جن و تصریح قرآن به امکان اجتماع و هم‌دستی آنان، معنای نهایی آیه ۸۸ سوره اسراء را چنین روشن می‌سازد: قرآن کلامی الهی و معجزه‌ای جهان‌شمول است که هیچ موجودی، نه انسان با همه توان زبانی و فکری خود و نه جن با ادعاهای قدرت و اطلاع از غیب، حتی در صورت هم‌افزایی و همکاری با یکدیگر، قادر به آوردن همانندی برای آن نخواهد بود. این

تعمیم آگاهانه، راه هرگونه عذر و توجیه را می‌بندد و عجز مطلق همه مخلوقات را در برابر کلام خداوند به اثبات می‌رساند.

منابع

قرآن مجید.

ألوسی، محمود بن عبدالله (١٤١٥ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیة / منشورات محمد علی بیضون.

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (١٣٤٧). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن جزى، محمد بن احمد (١٤١٦ق). التسهیل لعلوم التنزیل. بیروت: شركة دار الأرقم بن أبى الأرقم.

ابن جوزى، عبدالرحمن بن علی (١٤٢٢ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دار الکتب العربی.

ابن عاشور، محمد بن طاهر (١٤٢٠ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.

ابن عرفه، محمد بن محمد (٢٠٠٨م). تفسیر ابن عرفه. بیروت: دار الکتب العلمیة / منشورات محمد علی بیضون.

ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (١٤١٩ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیة / منشورات محمد علی بیضون.

ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). لسان العرب. بیروت: دار صادر.

ابو حیان، محمد بن یوسف (١٤٢٠ق). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.

ازهری، محمد بن احمد (بی تا). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

باقلانی، محمد بن طیب (١٤٢١ق). اعجاز القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیة.

بخاری، محمد بن اسماعیل (١٤١٠ق). صحیح البخاری. قاهره: وزارة الاوقاف جمهوریة مصر العربیة.

بقاعی، ابراهیم بن عمر (١٤٢٧ق). نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور. بیروت: دار الکتب العلمیة / منشورات محمد علی بیضون.

بنت الشاطی، عائشه (١٤٠٤ق). الاعجاز البیانى للقرآن. القاهرة: دارالمعارف.

بهجت پور، عبدالکریم (١٣٩٣). همگام با وحی: تفسیر تنزیلی. قم: تمهید.

بیضاوی، عبدالله بن عمر (١٤١٨ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ترمذی، محمد بن عيسى (۱۴۱۹ق). الجامع الصحيح و هو سنن الترمذی. قاهره: دار الحديث.
ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الكشف و البيان المعروف تفسیر الثعلبی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). قرآن در قرآن. قم: اسراء.

_____ (۱۳۸۸). پیامبر رحمت. قم: اسراء.

_____ (۱۳۹۰). سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.

_____ (۱۳۹۴). حقیقت و تأثیر اعجاز. قم: اسراء.

جواهری، سید محمد حسن (۱۳۹۸). اعجاز بیانی و تأثیری قرآن کریم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

حقّی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دار الفکر.

خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: هجرت.

خلیل، مصطفی سعید مصطفی (۱۴۳۰ق). الاعجاز التأثیری للقرآن الکریم و أثره فی الدعوة إلى الله تعالی. قاهره: اجالینا.

خوبی، سید ابوالقاسم (بی تا). البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

داوری چلقائی، احد (۱۴۰۴). تفسیر تطبیقی نسبت الجنة با خدا در آیه ۱۵۸ سوره صافات. پژوهش های تفسیر تطبیقی، ۱۱ (۱): ۲۷۵-۲۵۳.

<https://doi.org/10.22091/ptt.2025.11476.2379>

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت/دمشق: دار القلم / الدار الشامیة.

زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دار المعرفة.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الكتاب العربی.

سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۲۹ق). نهج البلاغه. قم: اسوه

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دار الكتاب العربی.

_____ (بی تا). معترك الأقران فی اعجاز القرآن. بی جا: دارالفکر العربی.

شاکر، محمد کاظم (۱۳۹۹). رویکردی نو به اعجاز قرآن کریم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۶). پژوهش‌های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین. تحقیق محمد رضا غیاثی کرمانی. قم: بوستان کتاب.

صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. قم: فرهنگ اسلامی.

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

_____ (بی تا). نه‌ایة الحکمة. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسی.

طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم. اربد: دار الکتب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر / مفاتیح الغیب. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). معانی القرآن. قاهره: الهیئة المصرية العامة للكتاب.

قاسمی، جمال الدین (۱۴۱۸ق). تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل. بیروت: دار الکتب العلمیة/ منشورات محمد علی بیضون.

کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۴۲۳ق). زبدة التفاسیر. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.

کریمی، مصطفی (۱۳۸۷). وحی شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دار الحدیث.

کواز، محمد کریم (۱۳۸۶). سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن. ترجمه سید حسین سیدی. تهران: سخن.

ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). تأویلات أهل السنة. بیروت: دار الکتب العلمیة/ منشورات محمد علی بیضون.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- محمد زرزور، عدنان (۱۴۱۹ق). مدخل إلى تفسير القرآن و علومه. بيروت: دارالقلم / دارالشامية.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲). دائرة المعارف قرآن کریم. قم: بوستان کتاب.
- مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ق). صحيح مسلم. قاهره: دار الحديث.
- مسلم، مصطفی (۱۴۲۶ق). مباحث فی إعجاز القرآن. دمشق: دارالقلم.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴). شرح نهیة الحکمة. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- معرفت، محمد هادی (۱۴۱۵ق). التمهيد في علوم القرآن. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسير مقاتل بن سلیمان. بيروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱). تفسير نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- موسوی مقدم، سید غلام عباس؛ جعفری هرندي، محمد (۱۳۹۲). جن از منظر ادیان ابراهیمی. معرفت ادیان، ۴ (۴): ۲۱-۳۵.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). كشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاری. تهران: امیر کبیر.
- نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۶ق). تفسير النسفی مدارک التنزیل و حقائق التأویل. بيروت: دار النفائس.
- نصار، حسین (۱۹۹۹م). إعجاز القرآن (التحدی-العجز-الاعجاز). قاهره: مكتبة مصر.
- وکیلی، الهه (۱۳۸۶). ویژگی های خلقت جن از منظر قرآن و روایات. اندیشه نوین دینی، ۳ (۴): ۱۰۱-۱۲۵.